



Strategies of Resistance of the Holy Prophet and the Community of Faith against Enemies from the Perspective of the Holy Qur'an

Sayyid Mohammad Baqer Musavi Injdan¹

Received: 17/04/2020

Accepted: 19/10/2020

Abstract

Divine prophets and monotheistic societies have always had enemies, and these enemies have always sought to destroy them. However, Allah Almighty, with His guidance and help, has thwarted the plan of the enemies and stopped them from achieving their goals. The Holy Qur'an has mentioned some of them, such as the story of Noah, Abraham, and Moses. The Holy Prophet (Muhammad) was no exception to this condition, and even endured the most persecution compared to the other prophets. Although the quantity and quality of these attacks by the enemies varied during the 23 years of his leadership, but in the two periods before and after the migration of the Holy Prophet, the enemies, in various ways, tried to destroy him and his community of faith. In the meantime, Allah Almighty has confronted these threats by adopting strategies through the Holy Qur'an, and has not only prevented the collapse of the fledgling Islamic society, but has also allowed it to grow to the point that it has astonished everyone (Surah al-Fath, 29). This process of resistance of the Holy Prophet and the Islamic society has been designed in accordance with the conditions and circumstances of the

1. Quran Researcher, Level 4 in Islamic seminary of Qom, Qom, Iran. s.musavi@chmail.ir.

* Mousavi Injdan, S. M. B. (1400 AP). Strategies of resistance of the Holy Prophet and the community of faith against enemies from the perspective of the Holy Quran. *Journal of Studies of Qur'anic Sciences*, 3(7), pp. 115-138. Doi: 10.22081/jqss.2021.57416.1047

monotheistic society, which by following its trajectory, various Qur'anic strategies in the field of resistance can be achieved. This study has explained the strategies of resistance by descriptive-analytical and library methods and examines strategies such as doctrinal demarcation, turning away from the enemy, migration, lack of obedience and assistance to the enemy, patience, not grieving over conspiracies, fighting (military jihad), avoiding friendship with the enemy, stubbornness and impenetrability.

Keywords

Quranic Strategies, Resistance, Stability, Community of faith, Holy Prophet, Enemies, migration.



ستراتيجيات مقاومة الرسول الأكرم ﷺ والمجتمع المؤمن في وجه الأعداء من منظار القرآن الكريم

السيد محمد باقر الموسوي إينجندان^١

تاريخ الاستلام: ١٤٤١/٠٨/٢٣ تاريخ القبول: ١٤٤٢/٠٣/٠٢

الملخص

لم يعدم أنبياء الله والمجتمعات الموّحدة من الأعداء الذين يسعون دوماً للقضاء عليهم وإبادتهم، لكنّ الله تعالى كان من خلال هدايته ودعمه يقوم بإفشال خطط الأعداء هذه ومنعهم من الوصول إلى أهدافهم، الأمر الذي طالما أشار إليه القرآن الكريم وذكر بعض موارده من قبيل حكاية قصص نوح وإبراهيم وموسى. ولم يكن الرسول الأكرم ﷺ مستثنى من هذه القاعدة، بل تحمّل الأذى الأكبر إذا قارناه بباقي الأنبياء. ورغم أنّ كميّة وكيفيّة هذه الهجمات من قبل الأعداء كانت متفاوتة طوال أعوام هدايته التي استمرت ٢٣ عاماً، إلا أنّ هؤلاء الأعداء كانوا يسعون طوال فترتيّ ما قبل هجرة الرسول الأكرم ﷺ وما بعدها إلى القضاء عليه شخصياً وعلى الجماعة المؤمنة التي بدأت في الظهور حينذاك. وفي خضمّ هذه الظروف تصدّى الله تعالى لهذه المخاطر من خلال بيانه لخطوط عامّة عن طريق القرآن الكريم، ولم ينجح فقط في منع انهيار المجتمع الإسلامي الجديد، بل إنّه هبّ الظروف الملائمة لنموّه بحيث أثارت حيرة الجميع (سورة الفتح، الآية ٢٩). وقد كانت عملية تقوية ودعم الرسول الأعظم ﷺ والمجتمع الإسلامي مرسومة بما يتناسب مع الظروف والأوضاع المحيطة بالمجتمع الموحد، ويمكن لمن يعمن النظر في مسيرها أن يستخلص كافّة الخطوط العامّة القرآنيّة في مجال المقاومة. وهذا التحقّق من خلال اتّباعه لمنهج توصيفي تحليلي ومكتبي يعمل على تبين استراتيجيّات المقاومة والبحث في بعضها كرمس الحدود العقائديّة، والابتعاد عن العدو، والهجرة، وعدم إطاعة العدو ومساعدته، والصبر، وعدم الحزن بسبب المؤامرات، والقتال (الجهاد العسكري)، والحذر من مصادقة العدو، والصلابة والتماسك.

الكلمات المفتاحية

الستراتيجيّات القرآنيّة، المقاومة، الصمود، المجتمع الإيماني، الرسول الأكرم ﷺ، الأعداء، الهجرة.

s.musavi@chmail.ir

١. باحث قرآني في السطح الرابع بحوزة قم العلمية، قم، إيران.

* الموسوي إينجندان، السيد محمد باقر. (١٤٤٢). استراتيجيّات مقاومة الرسول الأكرم ﷺ والمجتمع المؤمن في وجه الأعداء من منظار القرآن الكريم. مجلة فصلية علمية - محكمة دراسات في علوم القرآن، ٣(٧)، صص ١١٥ - ١٣٨.

Doi: 10.22081/jqss.2021.57416.1047

راهبردهای مقاومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جامعه ایمانی در برابر دشمنان از نگاه قرآن کریم

سیدمحمدباقر موسوی اینجندان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۹

چکیده

انبیای الهی و جوامع توحیدی همواره دشمنانی داشته‌اند و این دشمنان همواره در پی نابودی آنان بوده‌اند؛ اما خداوند متعال با هدایت و یاری خود، نقشه دشمنان را بر هم زده و مانع تحقق اهدافشان شده است که قرآن کریم به بیان برخی موارد از آن مانند حکایت نوح، ابراهیم و موسی پرداخته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از این قاعده مستثنی نبود، بلکه حتی نسبت به دیگر پیامبران بیشترین اذیت‌ها را تحمل کرد. هرچند کمیت و کیفیت این هجمه‌ها از سوی دشمنان در طول ۲۳ سال هدایت ایشان متفاوت بود، اما دشمنان در دو دوره قبل و بعد از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به گونه‌های مختلف در پی نابودی شخص ایشان و جامعه ایمانی تشکیل شده بودند. در این میان، خداوند متعال با بیان راهبردهایی از طریق قرآن کریم، با این تهدیدها مقابله نموده و نه تنها مانع فروپاشی جامعه نوپای اسلامی شده است، بلکه موجب رشد آن را فراهم کرده است تا به آنجا که موجب حیرت همگان گشته است (فتح، ۲۹). این فرایند مقاوم‌سازی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و جامعه اسلامی به گونه‌ای مناسب با شرایط و اوضاع پیرامونی جامعه توحیدی طراحی شده است که با پیگیری خط سیر آن، می‌توان به راهبردهای مختلف قرآنی در زمینه مقاومت دست یافت. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای به تبیین راهبردهای مقاومت پرداخته است و راهبردهایی مانند مرزبندی اعتقادی، رویگردانی از دشمن، هجرت، عدم اطاعت و همیاری دشمن، صبر، اندوهگین نشدن از توطئه‌ها، قتال (جهاد نظامی)، پرهیز از دوستی با دشمن، سرسختی و نفوذناپذیری را بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها

راهبردهای قرآنی، مقاومت، پایداری، جامعه‌ی ایمانی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، دشمنان، هجرت.

s.musavi@chmail.ir

۱. قرآن پژوه سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران.

* موسوی اینجندان، سیدمحمدباقر. (۱۴۰۰). راهبردهای مقاومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جامعه ایمانی در برابر دشمنان از نگاه قرآن کریم. فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۳(۷)، صص ۱۱۵-۱۳۸.

Doi: 10.22081/jqss.2021.57416.1047

همواره انبیای الهی و جوامع ایمانی پیرامونشان با دشمنانی روبه‌رو بودند که این دشمنان سعی در نابودی آنان داشتند: «وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ؛ وَ البته این گونه برای هر پیامبری دشمنانی از شیاطین انس و جن قرار دادیم» (انعام، ۱۱۲)؛ البته جبهه حق نیز در این مواجهه، مقاومت و ایستادگی و مجاهدت‌ها کرده است: «وَ كَأَيُّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِيثُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَرُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مَا ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكْبَرُوا وَ اللَّهُ يَحِبُّ الصَّابِرِينَ؛ چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آنها هیچ‌گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند [و تن به تسلیم ندادند] و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد» (آل‌عمران، ۱۴۶). پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَسَلَّمَ و پیروانش نیز از این قاعده مستثنی نیستند و در طول ۲۳ سال نبوت ایشان و تاکنون دشمنان اسلام در پی شکست سدّ پولادین مقاومت اسلامی بوده‌اند؛ اما بی‌تردید قرآن کریم در این مسیر، نقش مؤثری داشته و مقاومت شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَسَلَّمَ و جامعه ایمانی، الهام گرفته از راهبردهای قرآنی است. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که قرآن کریم چه راهبردهایی در جهت مقاوم‌سازی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَسَلَّمَ و جامعه ایمانی در برابر دشمنان دارد؟ با توجه به شرایط متفاوت جامعه مؤمنان در قبل و بعد از هجرت، این راهبردها در این دو دوره چه بوده است؟

پروژه‌ی نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 فصل ۱۱: جامع علوم انسانی

۱. پیشینه و امتیاز این پژوهش

در ارتباط با موضوع این مقاله، آثاری در قالب کتاب و مقاله وجود دارد که به معرفی آنها می‌پردازم:

الف) کتابها

۱. نکته‌های قرآنی درباره استقامت در برابر دشمنان (عباسعلی کامرانیان) در بردارنده مباحثی مانند: دستور الهی به پیامبر و مؤمنان درباره استقامت، موانع استقامت، برکات

- استقامت مانند نزول فرشتگان و رهایی از ترس و خیر دنیا و آخرت.
۲. گفتمان مقاومت (مهدی حسینی و ناصر بروجردی) در بردارنده مباحثی مانند: گفتمان مقاومت در قرآن و احادیث، شاخص‌ها و ابعاد گفتمان مقاومت، عوامل تقویت و ظرفیت و موانع پیش‌روی گفتمان مقاومت.
۳. استقامت (سیدرضا صدر) که در قسمتی از این کتاب به موضوع استقامت در قرآن اشاره شده است.

ب) مقالات

۱. «استقامت و پایداری در قرآن» (سیدمحمد میرحسینی و مرتضی قاسمی حامد و مسعود شاورانی) که توانسته سه مورد صبر و حلم، مقدمه پایداری، ثبات قدم و استقامت را از قرآن کریم استخراج کند.
۲. «ارزش صبر و استقامت از دیدگاه قرآن» (سیدعباس رضوی و غلامرضا قدمی) که در آن بیشتر به ارزش صبر و ویژگی‌های آن در قرآن پرداخته شده است.
۳. «استقامت و پایداری» (ایمان یزدانی‌نیا) که در آن تنها به عوامل، آثار و انواع استقامت به صورتی مختصر اشاره شده است.
۴. «نگرشی بر استقامت پیامبر در قرآن» (ابوطالب عبداللّهی) که به بررسی صبر پیامبر ﷺ در طول نبوت ایشان در برابر تکذیب مخالفان و در تبلیغ و عقوبت ستمگران و... پرداخته است.

بنابراین هیچ‌یک از این آثار، یا نگاه مستقل و متمرکز به قرآن کریم ندارند یا در صورت وجود چنین نگاهی، از جامعیت لازم برخوردار نیستند؛ از این رو ما در این مقاله، با تمرکز بر قرآن کریم و با توجه به تأثیر شرایط زمانی و مکانی در مواجهه با دشمنان، به استخراج راهبردهای قرآنی مقاومت در دو دوره قبل و بعد از هجرت پرداختیم و سعی کردیم تا نگاهی جامع در این زمینه داشته باشیم.

۲. تبیین واژگانی

۱-۲. راهبرد

راهبرد یا استراتژی در لغت به معنای عمل تجهیز و به کارگیری نیروها و توانایی‌ها در جهت دستیابی به هدفی معین است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۴، ص ۳۵۶۹). قرآن کریم برای تجهیز پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان در مسیر مقاومت و توانمندسازی ایشان در تشکیل جامعه ایمانی قدرتمند، اوامر و ارشاداتی دارد که ما در این پژوهش، در پی کشف آنها هستیم.

۲-۲. مقاومت

واژه مقاومت از ریشه «قوم» به معنای ایستادگی، پایداری، دوام و استحکام است (انوری، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۷۲۴۷). ایستادگی در صورتی معنا می‌دهد که انسان در برابر چیزی قرار گیرد و آنچه در برابر انسان قرار گرفته بخواند خواسته‌ای را به انسان تحمیل کند و انسان ایستادگی کند و خواسته او را رد نماید.

در قرآن کریم واژه مقاومت به کار نرفته است. آنچه در قرآن کریم به کار رفته است، مفهوم پایداری و مشتقات واژه «استقامت» است (ر.ک: هود، ۱۱۲؛ توبه، ۷؛ احقاف، ۱۳).

۳. فرهنگ مقاومت در قرآن کریم

همواره حفظ دستاوردهای ایمانی و عقیدتی دشوار است، آن هم در میان دشمنانی مصمم که از هیچ کوششی در تضعیف اجتماع مؤمنان فروگذار نمی‌کنند؛ از این رو در مسیر ساختن جامعه‌ای باایمان و مقاوم، می‌طلبند نبی اکرم ﷺ به عنوان رهبر جامعه، با ثبات قدم و استقامت به مسیر الهی خود ادامه دهد: «وَلَوْ لَا أَنْ تَبْتَئَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئاً قَلِيلاً؛ و اگر تو را ثابت قدم نمی‌داشتیم، همانا نزدیک بود اندکی به سوی آنان متمایل شوی» (اسراء، ۷۴). معنای آیه این است که اگر ما تو را پایداری نمی‌دادیم، نزدیک می‌شدی به اینکه به سوی آنان اندکی میل کنی؛ اما ما تو را استوار ساختیم؛ در نتیجه به آنان کمترین میلی نکردی تا چه رسد به اینکه اجابتشان کنی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۷۳). در آیه‌ای دیگر، در کنار خطاب به رسول اکرم ﷺ و امر ایشان به استقامت،

مؤمنان نیز مأمور می‌شوند در همراهی رهبری، استقامت کنند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِّنْ تَابٍ مَّعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای ایستادگی کن و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده‌اند [ایستادگی کنند] و سرکشی مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید، بینا است» (هود، ۱۱۲). همراهی پیروان با رهبر است که انسجام داخلی را محکم‌تر می‌کند و مانع شکست می‌شود؛ اما اهمیت ثبات رهبر در استقامت جامعه شکل گرفته در پیرامونش به اندازه‌ای است که می‌طلبد این توصیه تکرار شود: «فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ؛ پس آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن و همان‌گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن...» (شوری، ۱۵).

قرآن کریم برای تثبیت فرهنگ مقاومت، تنها به صدور فرمان اکتفا نمی‌کند، بلکه از روش‌های دیگر القای مطلب، مانند بشارت و نقل استقامت مؤمنان پیشین نیز استفاده می‌نماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَتَشِيرُوا بِالْحِجَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ بی‌تردید کسانی که گفتند پروردگار ما خدا است، سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند [و می‌گویند]: مترسید و اندوهگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده می‌دادند، بشارت باد» (فصلت، ۳۰؛ نیز رک: احقاف، ۱۳). پس از هجرت پیامبر اکرم ﷺ نیز شاهد تداوم این رویکرد مهم هستیم و با اینکه جامعه ایمانی شکل گرفته و تا اندازه‌ای اقتدار یافته، اما از آنجا که با جبهه‌های جدیدی (منافقان و یهود مدینه) روبه‌رو شده است، این استقامت‌ورزی و پایداری بیش از پیش آشکار می‌شود؛ از این رو با نقل استقامت مؤمنان امت‌های گذشته، همچنان فرهنگ مقاومت ترویج می‌شود: «وَ لَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغ علينا صبراً وَ تَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ؛ و چون [طالوت و اهل ایمان] برای جنگ با جالوت و سپاهیان‌ش ظاهر شدند، گفتند: پروردگارا! بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و گام‌هایمان را استوار ساز و ما را بر گروه کافران پیروز گردان» (بقره، ۲۵۰). نتیجه این ثبات قدم در جنگ بدر بروز پیدا کرد و به مدد الهی به پیروزی مؤمنان انجامید: «إِذْ يُوحَى رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا

سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ؛ [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس مؤمنان را [برای نبرد با دشمن] ثابت قدم دارید و به زودی در دل کافران ترس می‌اندازم؛ پس سرهایشان را در هم کوبید و همه انگشتانشان را قطع کنید» (انفال، ۱۲). البته این استقامت باید پایدار باشد، وگرنه همچون جنگ احد با وجود پیروزی اولیه مؤمنان، با ترک مقاومت، دشمن امیدوار می‌شود و در پی هجومی دیگر، امکان ضربه زدن پیدا می‌کند؛ پس پایداری باید پایا باشد؛ از این رو مهم‌ترین چیزی که رهبری خردمند بر آن تأکید دارد، این است که روح معنویت بر پیروانش حاکم و در سطح بالا باشد و آنان ترس و سستی به خود راه ندهند؛ زیرا پیروزی تنها مرهون نیروی ظاهری نیست، بلکه پیش از هر چیزی به پایداری و اراده نیرومند بستگی دارد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۱۶۳). راهکار دستیابی به پایداری ماندگار در مسیر الهی نیز یاری خداوند در قالب یاری دین او است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۴۹) که خداوند متعال فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ؛ ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد» (محمد، ۷).

بر اساس آیه ۲۹ سوره فتح (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ...) جامعه ایمانی رسول اکرم ﷺ زیر نظر ایشان و در پرتو هدایت‌های قرآنی خداوند متعال مراحل چهارگانه رشد و تقویت خود را پیموده است که در این آیه، در قالب تشبیه به مراحل رشد گیاه، مطرح شده است.

۱. مرحله بروز ضعیف و اولیه گیاه از دل خاک که با جوانه زدن نمایان می‌شود (كَزْرَعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ)؛

۲. مرحله‌ای که این گیاه تازه جوانه زده، نیاز به مراقبت از گزند عوامل مخرب دارد (فَأَرْزَرَهُ)؛

۳. مرحله‌ای که گیاه به اندازه‌ای صلابت پیدا می‌کند که تا حدودی در برابر عوامل مخرب مقاوم است (فَأَشْتَعَلَهُ)؛

۴. مرحله استقلال که گیاه به خود متکی است و نیاز به حمایت ندارد و در اوج

کمال است (فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ) (بهجت پور، ۱۳۹۴ الف، صص ۵۵-۵۶). در همه این مراحل، شخص نبی اکرم ﷺ و سپس جامعه شکل گرفته پیرامون ایشان در معرض دشمنانی بودند که قصد براندازی این بنیان توحیدی را داشتند؛ اما با هدایت‌های قرآنی خداوند این جامعه مقاوم توانست بر دشمنی‌ها غلبه کند و موجب رشد و گسترش روز افزون خود گردد. به نظر می‌رسد در سیر نزول سوره‌ها، به این مراحل رشد توجه شده است؛ از این رو جامعه ایمانی تا نزول سوره حجر (مکی، ۵۴) رشد زیرزمینی داشته و با نزول این سوره (و امر در آیه ۹۴، فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ) مرحله اول محقق شده و تا نزول آخرین سوری مکی، یعنی مطففین (نزول، ۸۶) مرحله تقویت این جوانه (مرحله دوم) صورت گرفته است (بهجت پور، ۱۳۹۴ الف، ص ۵۷). پس دوران مکه شامل دو مرحله ظهور و تقویت جامعه ایمانی می‌شود. با وقوع هجرت نبی اکرم ﷺ از مکه به مدینه، مراحل سه و چهار نیز محقق شده است که از سوره بقره (مدنی، ۸۷) تا سوره توبه (مدنی، ۱۱۴) مراحل آن قابل مشاهده است. حال با در نظر گرفتن این خط سیر تنزیلی می‌توان به راهبردهای قرآنی مقاومت دست یافت که در همه این چهار مرحله، راهنمای رسول خدا ﷺ و مؤمنان بوده است؛ از این رو ترسیم این راهبردها در دو دوره کلی قبل و بعد از هجرت می‌تواند الگوی مناسبی برای جوامع مسلمان باشد که با تطبیق موقعیت خود با دوران مکه و مدینه صدر اسلام، راهبرد مناسب با خود را انتخاب کنند و در برابر نقشه دشمنان بتوانند مقاومت داشته باشند.

۴. راهبردهای دوران مکه (قبل از هجرت)

۴-۱. مرزبندی اعتقادی و تبیین خطوط

اولین قدم در ایجاد جامعه ایمانی، بیان اعتقادات توحیدی از زبان رسول خدا ﷺ است که در آیات سوره‌های علق تا ماعون (مکی، نزول ۱-۱۷) به آن پرداخته شده و مشخص شده است که حرکت ایشان در مسیری غیر از مسیر حرکتی جامعه مشرک مکه است. طبیعی است فشارها از هر سو برای عقب‌زدن ایشان صورت می‌گیرد و اینجا است که اولین راهبرد در مسیر مقاومت از جانب خداوند متعال ترسیم می‌گردد که عبارت است

از تبیین خطوط فکری و مرزبندی بین خود و جامعه مشرک؛ از این رو در سوره کافرون (مکی، ۱۸)، این مرزبندی به روشنی صورت می‌گیرد. سوره کافرون بیانگر این واقعیت است که توحید و شرک دو مسیر کاملاً جدا از هم دارند و به همین دلیل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و تمام انبیای بزرگ نه تنها یک لحظه با شرک سازش نکردند، بلکه نخستین و مهم‌ترین برنامه آنان مبارزه با آن بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۷، صص ۳۸۸-۳۹۱)؛ بنابراین رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان رهبر جامعه نوظهور اسلامی، مأمور به این مرزبندی می‌شود. در سوره یونس (مکی، ۵۱) نیز این تفکیک خطوط آمده است: «وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَ لَكُمْ عَمَلِكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ؛ و اگر تو را تکذیب کردند [تا آنجا که از ایمان آوردنشان ناامید شدی] بگو: عمل من برای من و عمل شما برای شما است؛ شما از آنچه من انجام می‌دهم، بیزارید و من از آنچه شما انجام می‌دهید، بیزارم» (یونس، ۴۱). این اعلام بیزاری و بی‌اعتنایی که همراه با اعتماد و ایمان قاطع به مکتب خویش است، اثر روانی خاصی، به‌ویژه در منکران لجوج دارد و به آنها می‌فهماند که هیچ فشاری قادر به شکستن سد مقاومت و ایمان رسول خدا به‌عنوان رهبر جامعه نوپای ایمانی نیست و تلاش دشمنان بیهوده است. در آیاتی دیگر از همین سوره نیز این راهبرد مورد توجه قرار گرفته است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ إِلَٰهَيْنَ يُعْبَدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ وَأَمْرٌ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ بگو: ای مردم! اگر شما در [حقانیت] دین من تردید دارید [من در حقانیت دینم و بطلان آیین شما هیچ تردیدی ندارم]. من آنهايي را که شما به جای خدا می‌پرستید، نمی‌پرستم، بلکه خدایی را می‌پرستم که جان همه شما را می‌ستاند و من مأمورم که از مؤمنان باشم» (یونس، ۱۰۴-۱۰۶). این آیات، رهنمودهای خداوند متعال به رسول خدا صلی الله علیه و آله، برای اتخاذ مواضع روشن در برابر مشرکان است. ایشان مأمور می‌شود تا مواضع غیرقابل انعطاف خود را در مورد معبود و آیین خود، به اطلاع مردم برساند و بر راه خود با استقامت و شکیبایی استواری کند (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ب، ج ۵، ص ۱۵۱). در سوره یوسف (مکی، ۵۳) هم این خط تبیینی را می‌بینیم: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ بگو: این طریقه و راه من است که من و

هر کس پیرو من است، بر پایه بصیرت و بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم و خدا از هر عیب و نقصی منزّه است و من از مشرکان نیستم» (یوسف، ۱۰۸). در واقع از وظایف یک رهبر الهی است که باصراحت برنامه‌ها و اهداف خود را اعلام کند و پیروانش از برنامه واحد و مشخص و روشنی پیروی کنند: «قُلِ اللَّهُ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي * فَأَعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ؛ بگو: فقط خدا را درحالی که ایمان و عبادتم را برای او [از هرگونه شرکی] خالص می‌کنم، می‌پرستم. پس شما هم آنچه را می‌خواهید، به جای او بپرستید» (زمر، ۱۴-۱۵) (مکی، ۵۹).

۴-۲. رویگردانی از دشمن

بعد از تبیین مواضع از جانب رسول خدا ﷺ، مشرکان مکه در پی شکستن این خط فکری جدید بودند؛ خطی که در تقابل شدید با اعتقادات و منافع دنیوی آنان بود. در این حالت، برای پیامبر اکرم ﷺ دو راه کار وجود داشت: ۱. تقابل فیزیکی و ستیز دائم؛ ۲. مدارا و کناره‌گیری. با توجه به اندک بودن جمع مؤمنان، راه اول معقول نیست و منجر به نابودی آن جمع کوچک می‌شود؛ از این رو راهبردی که خداوند متعال ترسیم می‌کند، راهبرد رویگردانی از دشمن است: «فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا؛ بنابراین از کسانی که از یاد ما روی گردانده‌اند و جز زندگی دنیا را نخواسته‌اند، روی بگردان» (نجم، ۲۹) (مکی، ۲۳). نیز می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ؛ عفو و گذشت را پیشه کن، و به کار پسندیده فرمان ده و از نادانان روی بگردان» (اعراف، ۱۹۹) (مکی، ۳۹). این راهبرد همچنان ادامه دارد و حتی زمانی که با نزول آیه ۹۴ سوره حجر (مکی، ۵۴) پیامبر اکرم ﷺ مأمور به آشکارسازی جامعه نوپا و کوچک ایمانی می‌شود و باید دوقطبی مؤمن و مشرک را در جامعه مکه شکل دهد (بهجت‌پور، ۱۳۹۴ ب، ج ۵، ص ۶۲۲)، همچنان در مقام تقابل فیزیکی نیست و وظیفه همچنان رویگردانی از دشمن و بی‌التفات است: «فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ؛ پس آنچه را به آن مأموری اظهار کن و از مشرکان روی بگردان» (حجر، ۹۴) (مکی، ۵۴)؛ البته باید توجه کرد که این رویگردانی به معنای بی‌توجهی کامل به مشرکان و در نتیجه دعوت نکردن

آنان به اسلام نیست، بلکه به معنای بی‌اعتنایی به سخنان و رفتارشان و ترک مبارزه و پیکار با آنان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۱۴۰؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ب، ج ۵، ص ۶۲۴). علت این راهبرد نیز آنچنانی که گذشت، جز حفظ و بقای جامعه ایمانی در مقابل فشار دشمن نیست؛ زیرا امکان مقابله فیزیکی و مبارزه نظامی وجود نداشت. در سوره انعام (مکی، ۵۵) نیز در دو مورد به این راهبرد تذکر داده می‌شود: «وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ؛ وَ هِرْگَاهِ كَسَانِي رَا دِيدِي كِه دَر آيَاتِ مَا [به قصد شبهه‌اندازی] به یاوه‌گویی و سخن بی‌منطق می‌پردازند، از آنان روی گردان [و مجلسشان را ترک کن] تا در سخنی دیگر درآیند» (انعام، ۶۸)، «اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ؛ از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن، هیچ معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان» (انعام، ۱۰۶). در کنار فرمان به رویگردانی، با واژه‌ای دیگر نیز این راهبرد در آیات ۱۷۴ و ۱۷۸ سوره صافات (مکی، ۵۶) تکرار شده است: «فَقُولْ عَنْهُمْ حَتَّى حِينٍ؛ پس تا مدتی از آنان روی بگردان». این دو آیه، علاوه بر تعیین رویکرد پیامبر اکرم ﷺ، تهدیدی است پرمعنا و هول‌انگیز که از اطمینان به پیروزی نهایی سرچشمه می‌گیرد، به‌خصوص اینکه تعبیر «حَتَّى حِينٍ» (تا مدتی) به‌صورت سربسته ادا شده است. از این راهبرد است که راهبرد «تقیه» برای مؤمنان مطرح می‌شود، راهبردی که مؤمنان را موظف می‌کند تا زمانی که از قدرت کافی برای مقابله با دشمن بهره‌مند نشدند، ایمان خود را مخفی و از تقابل با دشمنان پرهیزند.

ضرورت تقیه به‌صورت صریح، امر قرآنی ندارد؛ اما در آیه ۱۰۶ سوره نحل (مکی، ۷۰) و آیه ۲۸ سوره آل‌عمران (مدنی، ۸۹) تلویحاً به جواز و ضرورتش اشاره شده است. آیات مطرح‌شده در موضوع رویگردانی از دشمن، پیامبر اکرم ﷺ را خطاب قرار می‌دهند؛ اما بیانگر این مطلب‌اند که در آن شرایط و با توجه به غلبه جمعیتی دشمن، بهترین راهکار در جهت حفظ و بقای خود و یاران، رویگردانی از دشمن و پرهیز از مقابله با آنان است. پس مؤمنان نیز باید در این فضا از ایجاد اصطکاک و درگیری با آنان خودداری کنند و در پنهان به وظایف خود عمل کنند (تقیه کنند)، تا شرایط تغییر کند.

گاهی شرایط برای مؤمن به گونه‌ای سخت می‌شود که حتی با کتمان ایمان و به کارگیری راهبرد تقیه توان دینداری در محیط جامعه مشرک را ندارد. اینجا دو راه در پیش روی او است: ۱. دست از ایمانش بردارد؛ ۲. دست از خانه و وطنش بشوید. طبیعی است کسی که اعتقاد به گذرا و فانی بودن دنیا دارد و چشم به جاودانگی آخرت دوخته است، راه دوم را برمی‌گزیند و این نه از روی ترس یا ضعف است، بلکه راهبردی است در جهت حفظ ایمان که خداوند متعال با بشارت‌هایی به آن توصیه کرده است: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَأَجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ و آنان که پس از ستم‌دیدنشان برای به دست آوردن خشنودی خدا هجرت کردند، یقیناً آنان را در این دنیا در جایگاه و مکانی نیکو جای دهیم و قطعاً پاداش آخرت بهتر و برتر است، اگر می‌دانستند [که دارای چه کمیت و کیفیتی است]» (نحل، ۴۱) (مکی، ۷۰). علت این دستور هم روشن است؛ زیرا اولاً اسلام جنبه منطقه‌ای ندارد و وابسته و محدود به مکان و محیط معینی نیست و به این ترتیب علاقه‌های افراطی به محیط تولد و زادگاه و دیگر علایق مختلف از نظر اسلام نمی‌تواند مانع از هجرت مسلمان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴، صص ۹۰-۹۱)؛ ثانیاً حفظ دین، از نژادپرستی و وطن‌دوستی مهم‌تر است و مؤمن واقعی بین این دو، حفظ دین خود را در قالب ترک اهل و دیار بر می‌گزیند. در دوران مدینه هم با تشکیل حکومت اسلامی، تشویق به مهاجرت جلوه دیگری می‌یابد؛ زیرا از یک سو موجب رهایی مؤمن از دارالکفر می‌شود و از سویی دیگر، دعوت و فراخوانی است به سوی دارالایمان تا موجب اتحاد و انسجام و تقویت بیشتر جامعه ایمانی گردد: «وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا وَ سَعَةً وَ مَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ يَدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ و هر کس در راه خدا هجرت کند، اقامتگاه‌های فراوان و فراخی معیشت خواهد یافت و کسی که از خانه خود به قصد مهاجرت به سوی خدا و پیامبرش بیرون رود، سپس مرگ او را دریابد، مسلماً پاداشش بر خدا است و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است» (نساء، ۱۰۰) (مدنی، ۹۲).

۵. راهبردهای مشترک دوران مکه و مدینه (قبل و بعد از هجرت)

۵-۱. اطاعت و همیاری نکردن با دشمن

پیروی از دشمن، به هر انگیزه و نیازی باشد، موجب شکسته شدن سدّ مقاومت جامعه می‌شود. چه بسا این پیروی از امور کوچک و پیش‌پافتاده آغاز گردد؛ اما سرانجامش سقوط دژ ایستادگی در مقابل دشمنان است؛ از این رو یکی از راهبردهای مهم قرآنی در خطاب به پیامبر اکرم ﷺ که از آغازین سوره‌ها آن را مشاهده می‌کنیم و تا دوران مدینه هم امتداد دارد، پرهیز از این گونه اطاعت‌ها است. در آیه ۸ و ۹ سوره قلم (مکی، ۲) آمده است: «فَلَا تُطِيعِ الْمُكذِبِينَ * وَذُوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ؛ از تکذیب‌کنندگان [قرآن و نبوت] فرمان مبر. دوست دارند نرمی کنی تا نرمی کنند». مشرکان از هر راهی تلاش کردند پیامبر اعظم ﷺ را از دعوتش منصرف کنند و به وسیله مقام و ثروت فریبش دهند؛ اما او از این کار خودداری کرد. آنان آرزو کردند ای کاش او در یکی از چیزهایی که مورد نظرشان است با آنها سازش می‌کرد؛ از این رو خدا او را از این کار نهی کرده است و هدف از نهی آن است که مشرکان ناامید گردند و بدانند که در اطاعت از خدا کوتاه آمدن و سازش وجود ندارد (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۳۸۸). در ادامه به چرایی این نهی هم اشاره می‌شود که «وَذُوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ». «یدهنون» از مصدر «إدهان» است. دهن به معنای روغن و إدهان و مُداهنه به معنای روغن مالی است که کنایه از نرمی و روی خوش نشان دادن است و معنای آیه این است که این تکذیب‌گران دوست می‌دارند تو با نزدیک شدن به دین آنان، روی خوش به ایشان نشان دهی، ایشان هم با نزدیک شدن به دین تو روی خوش به تو نشان دهند. خلاصه اینکه دوست دارند کمی تو از دینت مایه بگذاری، کمی هم آنان از دین خودشان مایه بگذارند و هر یک در باره دین دیگری مسامحه روا بدارید (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۹، ص ۳۷۰) که این مقدمه‌ای برای نفوذ و شکستن مقاومت جامعه ایمانی باشد؛ البته خطاب به نبی اکرم ﷺ است و باید توجه داشت که بیشترین فشار دشمن بر رهبر جامعه است که شکست او راه شکست مقاومت جامعه را هموار می‌سازد؛ از این رو است که خداوند متعال تأکید بیشتری بر اطاعت‌ناپذیری رسول اکرم ﷺ از دشمنان دارد (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۲۰۵).

نمونه‌ای دیگر در آیه ۵۲ سوره فرقان (مکی، ۴۲) است: «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا؛ پس کافران را [که انتظار دارند از ابلاغ وحی باز ایستی] فرمان مبر و به وسیله این [قرآن] با آنان جهاد [ی فرهنگی و تبلیغی] کن». منظور از جهاد در این آیه جهاد فکری، فرهنگی و تبلیغی است نه جهاد مسلحانه؛ زیرا این سوره مکی است و می‌دانیم دستور جهاد مسلحانه در مکه نازل نشده بود و روشن است که جهاد فکری و تبلیغی در برابر و سوسه‌های گمراهان و دشمنان حق، از بزرگ‌ترین جهادها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۲۲). آن‌چنان که گذشت، این راهبرد در مدینه هم جریان دارد؛ زیرا هیمنه و تبلیغات دشمن می‌تواند قلوب برخی مؤمنان را متأثر سازد و موجبات کشش آنان به سوی پیروی از دشمن را فراهم سازد؛ پس ضروری است این راهبرد مهم، همواره مورد نظر جامعه ایمانی باشد، چه در زمان کوچک‌بودن جامعه (دوران مکه) و چه در دوران تشکیل حکومت اسلامی و اقتدار جامعه ایمانی (دوران مدینه)؛ از این رو در سومین سوره نازل‌شده در مدینه، خطاب به مؤمنان می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ؛ ای اهل ایمان! اگر از کافران فرمان برید، شما را به [عقاید و روش‌های کافران] گذشتگان باز می‌گردانند؛ در نتیجه زیانکار خواهید شد» (آل عمران، ۱۴۹) (مدنی، ۸۹). این آیه همانند آیات گذشته سوره آل عمران بعد از جنگ احد و برای تجزیه و تحلیل حوادث جنگ نازل شده است. به نظر می‌رسد که بعد از پایان جنگ احد دشمنان اسلام با سلسله‌ای از تبلیغات مسموم‌کننده در لباس نصیحت و دلسوزی تخم تفرقه در میان مسلمانان می‌پاشیدند و با استفاده از وضع نامساعد روانی عده‌ای از مسلمانان تلاش می‌کردند آنان را به اسلام بدبین کنند. این آیه به مسلمانان اخطار می‌کند و از پیروی آنها برحذر می‌دارد و می‌گوید: اگر از کفار پیروی کنید، شما را به عقب برمی‌گردانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۲۴).

بعد از هجرت پیامبر به مدینه، حضور جماعتی که قرآن کریم از آنان تعبیر به منافق می‌کند، پررنگ‌تر شده است؛ از این رو خداوند متعال علاوه بر کفار، در مورد اطاعت از منافقان هم هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

عَلِيمًا حَكِيمًا؛ ای پیامبر! بر تقوای الهی ثابت قدم و استوار باش، و از کافران و منافقان اطاعت مکن که خدا همواره دانا و حکیم است» (احزاب، ۱) (مدنی، ۹۰)؛ زیرا هر دو یک مسیر و هدف را دنبال می‌کنند. در آیه ۴۸ از همین سوره نیز این موضوع تکرار می‌شود که نشان از حساسیت موضوع در آن زمان دارد: بی‌تردید رسول خدا ﷺ هرگز اطاعتی از کافران و منافقان نداشت؛ اما اهمیت موضوع به قدری است که می‌طلبید به‌عنوان تأکید برای شخص پیامبر اعظم ﷺ و هشدار و سرمشقی برای دیگران، بر این موضوع تکیه شود؛ زیرا از جمله خطرهای مهمی که بر سر راه رهبران جامعه قرار دارد، سازش و تسلیم در میان مسیر است که دشمن گاهی از راه تهدید و گاهی از راه دادن امتیازات، زمینه‌های آن را فراهم می‌کند، تا آنجا که گاهی انسان به اشتباه می‌افتد و گمان می‌کند راه رسیدن به هدف تن دادن به چنین سازش و تسلیمی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، صص ۳۶۶-۳۶۷).

۵-۲. صبر

ستون بنیادین مقاومت، صبر است؛ از این رو از آغازین سوره‌ها (مزل، نزول ۳) تا آخرین سوره‌ها (انسان، نزول ۹۸) شخص نبی اکرم ﷺ و مسلمانان به آن دعوت شده‌اند: «وَ اضْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَ اهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيْلًا؛ و بر گفتار [و آزار] مشرکان شکبیا باش و از آنان به شیوه‌ای پسندیده دوری کن» (مزل، ۱۰). در مسیر دعوت به سوی حق، بدگویی دشمنان، آزار آنان، فراوان است و اگر باغبان بخواهد گلی را بچیند، باید در برابر زبان خار صبر و تحمل داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۵، ص ۱۸۰). در سوره «ق» هم این راهبرد تذکر داده می‌شود: «فَاضْبِرْ عَلٰی مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ الْغُرُوبِ؛ پس [بر آزار مشرکان] شکبیا باش و پیش از طلوع خورشید و پیش از غروب آن پروردگارت را همراه با سپاس و ستایش تسبیح گوی» (ق، ۳۹) (مکی، ۳۴).

تنها با نیروی صبر و استقامت می‌توان توطئه‌های دشمن را در هم شکست و نسبت‌های ناروای آنها را در مسیر حق تحمل کرد و از آنجا که صبر و استقامت نیاز به پشتوانه اعتقادی قوی دارد و بهترین پشتوانه هم یاد خدا و ارتباط با مبدأ علم و قدرت

جهان آفرین است، رسول اکرم ﷺ امر به تسبیح و تحمید پروردگارش می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۲۸۹). در دیگر سوره های مکی نیز رهنمون به این راهبرد وجود دارد (ر.ک: ص، ۱۷؛ طه، ۱۳۰؛ یونس، ۱۰۹؛ غافر، ۵۵؛ نحل، ۱۲۷؛ معارج، ۵؛ روم، ۶۰). نکته قابل توجه در این آیات این است که همگی خطاب به پیامبر اکرم ﷺ و در جهت تقویت بنیه پایداری ایشان اند؛ زیرا آن حضرت جلودار این حرکت توحیدی است و بیشترین هجمه ها هم به ایشان است؛ اما در دوران مدینه، خطاب به مؤمنان است که با تشکیل حکومت اسلامی، وظیفه سنگینی در حفظ و بقای آن دارند و باید مقاومت حداکثری به خرج دهند؛ از این رو در چند آیه مورد خطاب قرار می گیرند: «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ و از خدا و پیامبرش فرمان برید و با یکدیگر نزاع و اختلاف مکنید که سست و بددل می شوید و قدرتتان از میان می رود و شکیبایی ورزید؛ زیرا خدا با شکیبایان است» (انفال، ۴۶) (مدنی، ۸۸). این آیه فرمان به صبر را با جمله «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» تأکید فرموده است؛ زیرا صبر قوی ترین یاور در مشکلات و محکم ترین رکن در برابر تغییر عزم و اراده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۹۶). در سوره آل عمران تأکید بیشتری بر این مطلب می بینیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای اهل ایمان! [در برابر حوادث] شکیبایی کنید و دیگران را هم به شکیبایی وادارید و با یکدیگر [چه در حال آسایش چه در بلا و گرفتاری] پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید» (آل عمران، ۲۰۰) (مدنی، ۸۹). «اصبروا» دعوت به صبر و ایستادگی در برابر حوادث است که درحقیقت ریشه اصلی هرگونه پیروزی مادی و معنوی را تشکیل می دهد و این همان چیزی است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در کلمات قصارش آن را چنین توصیف فرموده است: «وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا [خَيْرَ] فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ»؛ و بر شما باد به شکیبایی، چه اینکه شکیبایی نسبت به ایمان به منزله سر نسبت به بدن است. در بدنی که سر نیست و در ایمانی که شکیبایی نباشد، خیری نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۷۹). «صابروا» توصیه به صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است؛ بنابراین، قرآن نخست به افراد باایمان دستور استقامت

می‌دهد (که هرگونه جهاد با نفس و مشکلات زندگی را شامل می‌شود) و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد. همچنین از این دستور «صابروا» استفاده می‌شود که هرقدر دشمن بر استقامت خود بیفزاید، ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، صص ۲۳۳-۲۳۴).

۵-۳. اندوهگین نشدن از توطئه‌ها و متحیر نشدن از برخورداری دشمن

حیله و ترفند دشمن می‌تواند سبب شکست روحی و ناراحتی مبارزان در میدان مقاومت گردد؛ پس ضروری است خداوند متعال در این زمینه راهبردی ارائه کند که عبارت است از راه‌اندادن حزن و اندوه به خود، که البته می‌توان آن را در امتداد راهبرد کلان صبر و شکیبایی ترسیم کرد: «وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ؛ و بر آنان [که با حق دشمنی می‌کنند] اندوه مخور و از نیرنگی که همواره به کار می‌گیرند، دلتنگ مباش» (نمل، ۷۰) (مکی، ۴۸). این نبود مگر اینکه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از سویی از انکار و مخالفت مشرکان رنج می‌برد و دوستدار هدایت و بیداری آنان بود و از سویی دیگر، همواره با توطئه‌های آنان مواجه می‌شد؛ از این رو خداوند متعال چنین توصیه‌ای به ایشان دارد و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و گفتار [بی‌اساس و تبلیغات ناروایی] مخالفان، تو را غمگین نکند؛ زیرا همه عزت و توانمندی برای خداست؛ او شنوا و دانا است» (یونس، ۶۵) (مکی، ۵۱). در کنار این توطئه‌ها، برخورداری دنیوی دشمن نیز می‌تواند عامل تضعیف روحیه مؤمنان گردد که خداوند متعال در این باره نیز هشدار می‌دهد: «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ بنابراین به امکانات مادی [و ثروت و اولادی] که برخی از گروه‌های آنان را از آن برخوردار کردیم، چشم مدوز و بر آنان [به سبب اینکه پذیرای حق نیستند] اندوه مخور و پر و بال [لطف و مهربانی] خود را برای مؤمنان فرو گیر» (حجر، ۸۸) (مکی، ۵۴). آیه می‌فرماید: این نعمت‌های مادی نه پایدارند، نه خالی از درد سر، حتی در بهترین حالاتش نگهداری آن سخت مشکل است؛ بنابراین، چیزی نیست که چشم تو را به سوی خود جلب کند و در برابر آن

موهبت بزرگ معنوی (قرآن) که خدا به تو داده است، قابل اهمیت باشد. درحقیقت دستور اول درباره چشم‌ندوختن به نعمت‌های مادی است و دستور دوم درباره غم‌نخوردن در برابر محرومیت از آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۱، ص ۱۳۱).

این راهبرد در دوران مدینه هم جریان دارد و حتی در آخرین سوره نازل شده مطرح شده است: «وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِى الدُّنْيَا وَ تَزَهَّقَ أَنْفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ؛ اموال و فرزندان (منافقان) تو را به شگفت نیاورد [اینها برای آنان خوشبختی نیست]. خدا فقط می‌خواهد آنان را در دنیا به اموال و فرزندانشان عذاب کند و درحالی که کافرند جانشان درآید» (توبه، ۸۵) (مدنی، ۱۱۴). این سؤال برای مسلمانان مطرح می‌شود که اگر به‌راستی منافقان این همه از رحمت خدا دورند، پس چرا خداوند به آنان این همه نعمت داده و مال و فرزند (نیروی اقتصادی و انسانی) در اختیارشان قرار داده است. این شبهه می‌تواند بنیان‌های مقاومت را در جامعه متزلزل سازد؛ اما خداوند متعال در این آیه روی سخن را به پیامبر اکرم ﷺ می‌کند و پاسخ این سؤال را چنین می‌دهد که اموال و فرزندانشان هیچ‌گاه نباید مایه شگفت و حیرت تو شود؛ چراکه به عکس، آنچه مردم ظاهرین خیال می‌کنند، این اموال و فرزندان نه تنها باعث خوشوقتی آنان نیست، بلکه خداوند می‌خواهد آنان را به وسیله اینها در دنیا مجازات کند و با حال کفر جان دهند (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۴۳).

۶. راهبردهای دوران مدینه (بعد از هجرت)

۶-۱. قتال (جهاد نظامی)

خداوند متعال در دوران مدینه و در نخستین سال‌های هجرت، به مقابله نظامی و جهاد نظامی با دشمنان و دفاع از کیان اسلام فرمان داد تا با شجاعت و صراحت، از خود و حقوق خویش دفاع کنند و با خشکاندن ریشه دشمن، جلوه‌ای دیگر از مقاومت را نشان دهند: «وَ قَاتِلُوا فِى سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِىْنَ يَقَاتِلُوْكُمْ وَ لَا تَعْتَدُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا يَحِبُّ الْمُعْتَدِىْنَ * وَ اُقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوْهُمْ وَ اَخْرِجُوْهُمْ مِنْ حَيْثُ اَخْرَجُوْكُمْ وَ الْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنْ الْقَتْلِ وَ لَا تُقَاتِلُوْهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتّٰى يَقَاتِلُوْكُمْ فِىْهِ فَاِنْ قَاتَلُوْكُمْ فَاقْتُلُوْهُمْ كَذٰلِكَ جَزَاءُ

الْكَافِرِينَ * فَإِنْ ائْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ ائْتَهُوا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، و [هنگام جنگ از حدود الهی] تجاوز نکنید که خدا تجاوز کاران را دوست ندارد و آنان را [که از شرک و کفر و هیچ ستمی باز نمی‌ایستند] هر کجا یافتید، به قتل برسانید و از جایی که شما را بیرون کردند، بیرونشان کنید و فتنه [که شرک، بت پرستی، بیرون کردن مردم از خانه و کاشانه و وطنشان باشد] از قتل و کشتار بدتر است و کنار مسجد الحرام با آنان نجنگید، مگر آنکه در آنجا با شما بجنگند؛ پس اگر با شما جنگیدند، آنان را به قتل برسانید که پاداش و کیفر کافران همین است. اگر از فتنه گری و جنگ باز ایستند، یقیناً خدا بسیار آمرزنده و مهربان است، و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای [چون شرک، بت پرستی و حاکمیت کفار] بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد. پس اگر باز ایستند [به جنگ با آنان پایان دهید و از آن پس] تجاوزی جز بر ضد ستمکاران جایز نیست» (بقره، ۱۹۰-۱۹۳) (مدنی، ۸۷). در این سوره که نخستین سوره نازل شده در مدینه است، فرمان قتال و کارزار آمده است و هدف از آن و به اختصار کم و کیفش ترسیم گردیده است. آیات در این موضوع بسیارند. برخی آیات به اصل قتال دعوت می‌کنند (ر.ک: بقره، ۲۴۴؛ انفال، ۳۹، ۶۵؛ نساء، ۷۴) و برخی آیات به ثبات قدم در جنگ و فراهم آوری همه امکانات در این راستا دعوت می‌نمایند (انفال، ۱۵، ۴۵، ۶۰).

این راهبرد محوری، حتی در آخرین سوره نازل شده دنبال شده است که نشان می‌دهد مؤمنان هیچ‌گاه از مواجهه مسلحانه با دشمنان معاف نبوده‌اند: «أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَ هُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدُّكُمْ أَوْلَ مَرَّةٍ أَلَّا تَحْشَوْهُمْ فَاَللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَحْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ * قَاتِلُوهُمْ يَعِدُّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَحْزِهِمْ وَ يَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ؛ چرا و برای چه نمی‌جنگید؟ آن‌هم با گروهی که پیمان‌های خود را شکستند و عزمشان را بر بیرون کردن پیامبر از وطنش جزم کردند و هم آنان بودند که نخستین بار با شما جنگیدند. آیا از آنان می‌ترسید؟! در صورتی که اگر مؤمن هستید، خدا سزاوارتر است که از او بترسید. با آنان بجنگید تا خدا آنان را به دست شما

عذاب کند و رسوایشان نماید و شما را بر آنان پیروزی دهد و سینه‌های [پر سوز و غم] مردم مؤمن را شفا بخشد» (توبه، ۱۳-۱۴) (مدنی، ۱۱۴).

۲-۶. پرهیز از دوستی با دشمن

مؤمنان به‌ویژه انصار، پیش از پذیرش اسلام، با برخی مشرکان (شامل بت‌پرستان، یهود و مسیحی) پیوند دوستی داشتند و چون ادامه این ارتباط می‌توانست سبب نفوذ دشمنان و تضعیف جامعه اسلامی گردد، مؤمنان از این کار نهی شدند: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحْذَرُكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ؛ مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه‌ای با خدا نیست، مگر آنکه بخواهید به سبب دفع خطری که متوجه شما است از آنان تقیّه کنید؛ خدا شما را از [عذاب] خود بر حذر می‌دارد و بازگشت [همه] به سوی خدا است» (آل‌عمران، ۲۸) (مدنی، ۸۹). این آیه در واقع یک درس مهم سیاسی اجتماعی به مسلمانان می‌دهد که هرگز بیگانگان را دوست و یاور نگیرند و فریب اظهار محبت‌های به‌ظاهر صمیمانه آنها را نخورند؛ زیرا در طول تاریخ ضربه‌های سنگینی که بر افراد باایمان وارد شده، در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است. تاریخچه استعمار می‌گوید همیشه ظالمان استثمارگر در لباس دوستی و دلسوزی و عمران و آبادی ظاهر شده‌اند. فراموش نباید کرد (واژه استعمار که به معنی اقدام به عمران و آبادی است نیز از همین جا گرفته شده است) آنها به نام عمران و آبادی وارد می‌شدند و هنگامی که جای پای خود را محکم می‌کردند، بیرحمانه بر آن جامعه می‌تاختند و همه چیز آنها را به یغما می‌بردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۹۹).

آیات بسیاری از چنین دوستی‌هایی نهی کرده‌اند که نشان از اهمیت فوق‌العاده آن دارد (ر.ک: آل‌عمران، ۱۱۸؛ ممتحنه، ۴۱؛ نساء، ۸۹). پرهیز از این نوع دوستی به اندازه‌ای اهمیت دارد که حتی شامل پدر و برادر و فرزند مشرک هم می‌شود: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ

عَشِيرَتَهُمْ...؛ گروهی را که به خدا و روز قیامت ایمان دارند، نمی‌یابی که با کسانی که با خدا و پیامبرش دشمنی و مخالفت دارند، دوستی برقرار کنند، گرچه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشانشان باشند...» (مجادله، ۲۲) (مدنی، ۱۰۶) و کسانی که از این نهی پرهیز نکنند، منافق و فاسق شمرده شده‌اند: «بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا * الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا؛ منافقان را بشارت ده که عذابی دردناک برای آنان است. همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود می‌گیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان می‌طلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خدا است» (نساء، ۱۳۸-۱۳۹) (مدنی، ۹۲)؛ «وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُواهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ؛ اگر به خدا و پیامبر و آنچه بر او نازل شده ایمان می‌آوردند، [از برکت آن ایمان] کفار و مشرکان را سرپرست و دوست خود نمی‌گرفتند؛ ولی بسیاری از آنان فاسق‌اند» (مائده، ۸۱) (مدنی، ۱۱۳). خط سیر این راهبرد تا آخرین سوره‌های نازل شده هم امتداد دارد که نشان از اهمیت موضوع و در معرض خطر بودن مؤمنان از این جهت دارد (ر.ک: مائده، ۵۱). «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ای اهل ایمان! اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند، آنان را دوستان خود مگیرید و کسانی از شما که آنان را دوست خود گیرند، هم اینان‌اند که ستمکارند» (توبه، ۲۳) (مدنی، ۱۱۴).

۳-۶. سرسختی و نفوذناپذیری

جهت درامان ماندن جامعه ایمانی از خطر نفوذ دشمنان، پرهیز از دوستی با آنان شرط لازم است، اما کافی نیست و باید این راهبرد تقویت شود؛ زیرا ممکن است مؤمنی با دشمن دوستی نداشته باشد؛ اما بی‌توجه به آنان باشد که همین امر نیز می‌تواند سبب طمع دشمن گردد؛ از این رو قرآن کریم دستور به غلظت و شدت در برابر دشمنان می‌دهد که به معنای سرسختی و محکم و نفوذناپذیر بودن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، صص ۶۱۲ و ۴۴۷): «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ؛ ای پیامبر! با کافران

و منافقان جنگ کن و بر آنان سخت بگیر» (تحریم، ۹) (مدنی، ۹۱). این جهاد در مورد کفار ممکن است به صورت مسلحانه یا غیرمسلحانه باشد؛ ولی در مورد منافقان بدون شک جهاد مسلحانه نیست؛ زیرا در هیچ تاریخی نقل نشده است که پیامبر اکرم ﷺ با منافقان پیکار مسلحانه کرده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۹۹).

اما باید در برخورد با هردو گروه، چه در جنگ و چه در غیر آن، راه‌های نفوذ بسته شود تا رخنه‌ای در سد مقاومت جامعه ایمانی ایجاد نگردد. آیه‌ای دیگر، مؤمنان همراه رسول خدا را به دو صفت متضاد «شدت» و «رحمت» توصیف می‌کند: «مُحَمَّدٌ رَسُولَ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند بر کافران سرسخت و در میان خودشان با یکدیگر مهربان‌اند» (فتح، ۲۹) (مدنی، ۱۱۲). ایشان با اینکه سرشار از عواطف و محبت نسبت به برادران ایمانی خود هستند، اما سدی محکم و پولادین در مقابل دشمنان‌اند که راه هرگونه نفوذ را می‌بندند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۲، ص ۱۱۳). خداوند متعال در آیه‌ای دیگر، مؤمنان راستین را عزیز (نفوذناپذیر) در برابر دشمن توصیف می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ؛ ای اهل ایمان! هرکس از شما از دینش برگردد [زیانی به خدا نمی‌رساند]. خدا به زودی گروهی را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان هم خدا را دوست دارند، در برابر مؤمنان فروتن‌اند و در برابر کافران سرسخت و قدرتمندند» (مائده، ۵۴) (مدنی، ۱۱۳). این راهبرد در جنگ‌ها نمود بیشتری دارد. چه بسا محکم نبودن در جنگ و دلسوزی در برابر دشمن، سبب قوت‌گیری او و ضربه‌زدن به مؤمنان شود که باید از آن دوری کرد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً؛ ای اهل ایمان! با کافرانی که هم‌جوار شما هستند، نبرد کنید و آنان باید در شما سرسختی و شدت یابند» (توبه، ۱۲۳) (مدنی، ۱۱۴).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم در دو دوره قبل و بعد از هجرت و در تمامی مراحل چهارگانه رشد جامعه ایمانی، راهبردهایی برای مقاومت‌سازی پیامبر اکرم ﷺ و جامعه ایمانی در برابر دشمنان

بیان کرده که می‌تواند الگویی برای همه جوامع مسلمان (کوچک یا بزرگ) باشد که با تطبیق شرایط خود با اوضاع صدر اسلام و متناسب با آن، بتوانند با اتخاذ راهبرد مناسب زمان و مکان خود، در برابر دشمنی‌ها مقاومت کنند. این راهبردها عبارت‌اند از:

۱. راهبردهای دوران مکه (قبل از هجرت): مرزبندی اعتقادی و تبیین خطوط، رویگردانی از دشمن، هجرت؛
۲. راهبردهای مشترک دوران مکه و مدینه: اطاعت و همیاری نکردن با دشمن، صبر، اندوهگین نشدن از توطئه‌ها و متحیر نشدن از برخورداری دشمن؛
۳. راهبردهای دوران مدینه (بعد از هجرت): قتال (جهاد نظامی)، پرهیز از دوستی با دشمن، سرسختی و نفوذناپذیری.



فهرست منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. انوری، حسن. (۱۳۸۲). فرهنگ بزرگ سخن (ج ۴ و ۷، چاپ دوم). تهران: انتشارات سخن.
۲. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دار العلم؛ دمشق: الدار الشامیه.
۳. بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۹۴الف). شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم. قم: مؤسسه تمهید.
۴. بهجت پور، عبد الکریم. (۱۳۹۴ب). همگام با وحی (ج ۵). قم: مؤسسه تمهید.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۹، ۱۳ و ۱۹؛ چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
۷. مدرسی، محمد تقی. (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن (ج ۴ و ۱۶). تهران: دار محیی الحسین.
۸. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ق). التفسیر الکاشف (ج ۲ و ۷). قم: دار الکتب الإسلامی.
۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۲، ۳، ۴، ۱۱، ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۲۴، ۲۵ و ۲۷؛ چاپ دهم). تهران: دار الکتب الإسلامیه.

References

* The Holy Quran

* Nahj al-Balaghah

1. Anwari, H. (1382 AP). *The Great Dictionary of Sokhan* (Vols. 4, 7; 2nd ed.). Tehran: Sokhan Publications. [In Persian]
2. Behjatpour, A. (1394a AP). *Disclosure of Surahs of the Holy Quran*. Qom: Tamhid Institute. [In Persian]
3. Behjatpour, A. (1394b AP). *Keep up with the revelation* (Vol. 5). Qom: Tamhid Institute. [In Persian]
4. Makarem Shirazi, N. (1371 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vols. 2, 3, 4, 11, 15, 17, 22, 24, 25, 27; 10th ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Persian]
5. Modaresi, M. T. (1419 AH). *Min Hoda al-Qur'an* (Vols. 4, 16). Tehran: Dar Mohebbi Al-Hussein. [In Arabic]
6. Moghniyeh, M. J. (1424 AH). *al-Tafsir al-Kashif* (Vols. 2, 7). Qom: Dar al-Kitab al-Islami. [In Arabic]
7. Ragheb Isfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Ilm; Damascus: Al-Dar Al-Shamiya. [In Arabic]
8. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (Third Edition). Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
9. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AH). *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran* (Vols. 9, 13, 19; 2nd ed.). Beirut: Mu'asisah al-A'alami le al-Matbu'at. [In Arabic]